

شرق

روزنامه

مناطق روستایی و کیرنشین خاش و ایرانشهر، عکس: فاطمه عالی، مهر



آینه تاریخ

خوزستان، آتلیه عکس سیاستمداران

شود، چیزی جز بی‌تدبیری و کم‌همتی نیست؛ وگرنه این مسائل سال‌هاست که در زندگی شهری راه‌حل‌های مشخصی دارند.
باین‌حال از این مسائل کوچک بگیرد تا بحران‌های بزرگی مثل مشکل آب و ریزگردها زندگی را بر اهالی خوزستان تنگ کرده است.
غیر از سوم خرداد هرسال که روز فتح و پیروزی است، آخرین روز تابستان هر سال هرکس در هرجای ایران به یاد خوزستان می‌افتد.
روزی که یادآور شروع جنگی هشت‌ساله و به‌جاماندن زخم‌های زیادی در پیکر خوزستان است.
جایی که ۴۰ سال بعد از شروع جنگ اوضاع و احوالش هنوز بر وفق مراد نشده و در یکی، دو سال اخیر هم مجموع اخبار ناگوار از محرومیت‌هایش دیگر به خبری معمولی در ایران تبدیل شده است.
از مشکل فاضلاب کوت عبدالله بگیر تا مسئله آب آشامیدنی در غیزانیه و تصاحب خانه‌های روستای ابوالفضل و تجمع‌های چندماهه کارگران هفت‌تپه، عجیب اینکه همین ردیف‌شدن سرخط اخبار مهم که در یکی، دو سال اخیر از خوزستان منتشر شده همه و همه هم بر مسائل اولیه یک زندگی معمولی تاکید دارد.
یعنی تأمین آب آشامیدنی سالم (غیزانیه)، بهداشت (دفع فاضلاب کوت عبدالله)، کار و درآمد حداقلی (هفت‌تپه) و سرپناه (روستای ابوالفضل) از مسائل بنیادی زندگی بشری است که فرض بر این است که در یک جامعه تأمین

«اهالی شهرک بسیج واقع در شهر کوت عبدالله سال‌هاست که با مشکل سرریز فاضلاب روبه‌رو هستند. در این شهرک شبکه‌ای برای جمع‌آوری و دفع فاضلاب وجود ندارد. شرکت آب‌وفاضلاب به دلیل عدم دریافت حق دفع فاضلاب خود را متعهد به جمع‌آوری فاضلاب نمی‌داند و مدعی است که این وظیفه برعهده شهرداری است.
خیابان‌های این شهرک بیش از دو متر از سطح سایر خیابان‌های کوت عبدالله پایین‌تر هستند، همین امر سبب می‌شود تمام آب‌ها و فاضلاب‌های موجود در خطوط و جوی‌های روباز تا شعاع ۷۰۰ متر در این خیابان تخلیه شوند».
این تنها شروع یکی از گزارش‌هایی است که هر چند هفته از خوزستان مخابره می‌شود.
نگاهی به اخبار کشور در یکی، دو سال گذشته نشان می‌دهد که به طرز عجیبی کلیدواژه خوزستان در جمع اخبار بحرانی کشور حضور دارد؛ جایی که مجموعه محرومیت‌ها و عدم رسیدگی‌ها مشکلات عجیب‌وغریبی را ایجاد کرده است.
مشکلاتی که روی کاغذ راه‌حلی آسانی دارند ولی چند دهه است که فکری برای آنها نشده و بعضا به حوادث تلخی تبدیل می‌شوند.
اینکه در آستانه سال ۱۴۰۰ و چهار دهه بعد از پیروزی انقلاب و جنگ هنوز در یکی از شهرک‌های کـوت عبدالله سازوکاری برای دفع فاضلاب نباشد و خیابان‌های شهرک پر از فاضلاب

زندگی دیگران

قاضی عاشق اپرا

داشت تا پایان این دوره ریاست‌جمهوری زنده باشد تا با مرگش دیوان عدالت کاملا محافظه‌کار نشود.
هنگامی که خبر فوت او منتشر شد، بسیاری بر پله‌های ساختمان دیوان عدالت شمع برافروختند؛ البته او آن چنان مشهور بود که نامش را به اختصار آر.بی. جی می‌نامند و طرفداران فمینیست بسیاری دارد و عکسش روی لبوان و تی‌شرت قرار می‌گیرد و درباره‌اش فیلم مستندی ساخته‌اند -و فیلم سینمایی نیز درباره مسیر پیشرفتش با عنوان «براساس جنسیت» ساخته شده است.
استیلمن - فیلم‌نامه‌نویس این اثر -که برادرزاده قاضی گینزبرگ است، در این فیلم تنها به اولین گام‌های موفقیت این قاضی اشاره می‌کند.
فیلمی که با رژه ۵۰۰ دانشجوی حقوق که در میان‌شان ۹ زن نیز حضور دارد، آغاز می‌شود و درباره اولین پرونده‌های روث در موضوع تبعیض جنسیتی و تلاش برای توسعه و بهبود حل قانونی این مسئله می‌پردازد.
در فیلم به نقش همسر حامی‌اش نیز اشاره می‌کند.
به نوشته منتقد نیویورک تایمز «این اثر فیلمی منسجم برای نشان‌دادن اهمیت کار گینزبرگ است و به دو بُعد شخصیتی او یعنی علاقه شخصی‌اش به فعالیت‌های قانونی فمینیستی و انضباط فکری



همسر سربازش مرده بود و بیمه حق فرزندش را پرداخت نمی‌کرد.
او را یکی از تلاشگران اجرای قانون می‌دانند و او در یکی از مشهورترین سخنانش گفت من نمی‌گویم که قانونی برای برابری زن و مرد، من می‌گویم فقط اجرای همین قانون اساسی.
او همچنین در جای دیگر گفته بود «نیازی نیست هیچ لطفی برای زنان انجام دهید، فقط برادران‌مان پاهای‌شان را از شانه‌های ما بردارند».
روث که بیش از ۲۷ سال بر مسند قضاوت دیوان عالی حضور داشت، بارها علیه قوانین ترامپ اعلام موضع کرده بود و دوست

آکادمی

آن چندصد نفر

را که چندی‌پیش تعطیل شده بودند، درک می‌کردند و به‌علاوه درک می‌کردند که شاید راه دیگری برای انتخاب نبوده است یا هرچه... آن‌وقت مهم نبود. آن چندصد نفر بخش قابل‌توجهی از جامعه پزشکی را تا همین امروز تشکیل داده‌اند. آنها به همراه پزشکان دیگری که سال‌های بعد و بعدتر در آن حیاط نشستند یا از طرق دیگری به جبهه‌ها شتافتند، سال‌های طولانی جنگ رزمندگان و جبهه‌ها و مردم شهرها را تحت حمایت خود قرار داده‌اند و تا همین بحران کرونا بهای سنگین جاعه، کمبود امکانات و مدیریت‌های شتاب‌زده و ناشیانه را با جان خود پرداخته و می‌پردازند. مانند جبهه‌های جنگ هرروز پزشکان شاهد دوستان و بستگانی هستند که دیگر هیچ‌گاه از هیچ اتوبوسی پیاده نخواهند شد. اما این‌بار بیش از آنکه این صدمات حاصل خود بحران باشد، حاصل وضعیت اضطراری طولانی‌شده‌ای است که جنگ در استقرار آنها بی‌تأثیر نبود. در سال‌های بعد تا همین دوران کرونا با وجود آنکه جامعه پزشکی بیشترین تعداد قربانی را نسبت به بسیاری از مناطق دنیا داشته اما شرایط اضطراری دائمی‌شده همواره مانع از آن بوده است که ابتدایی‌ترین حقوق بخش‌های جامعه پزشکی به رسمیت شناخته شود. حالا جامعه پزشکی برای ایفای ایدئال وظایف خود و دستیابی به رضایت از مشغله‌ای علمی بیش از هر چیز نیازمند فضای آزاد برای تنفس به‌معنای خروج از وضعیت بحران سربازخانه‌ای -عشرت‌آبادی- اک‌آن زمان ضروری بود حالا نیست! تقویت همه‌جانبه بخش دولتی و دانشگاهی توسط دولت، ارتباطات تنگاتنگ با جامعه پزشکی بین‌المللی شامل استخدام هیئت‌علمی بین‌المللی، استخدام با حقوق واقعی از دوران دستپارگی، محاسبه خدمات پزشکی بر اساس کتاب تعرفه‌های مورد قبول بین‌المللی برای همه رشته‌ها و به‌خصوص برای خدمات انسانی (ویزیت) و پوشش کامل بیمه برای این خدمات است. آن چندصد نفر با تمام همکاران و شاگردان و فرزندان که در این ده‌ها سال تربیت کرده‌اند، ثابت خواهند کرد که در یک شرایط متعارف هم حتی بیش از شرایط بحران و بیش از سایر اقشار بیشترین دغدغه کیفیت خدمات سلامت و فشار اقتصادی بر ته‌بیدستان را خواهند داشت و بیش از هر قشر دیگری تن به شفافیت و نظارت کیفی و کمی بر کارشان خواهند داد.



بارها به مشایعتش آمده بودند و آن‌گاه از هر نفسی که فرومی‌بری احساس شرم می‌کنی.
وقتی که بعد از ساعتی یک نفر با کاذبی در دست اسامی‌ای را خواند که به دلیل نیاز بخش‌های درمانی می‌توانستند خدمت نروند و به تحصیل تخصص بپردازند، همه اندکی متحیر شدند اما همه نیاز بخش‌هایی

روزها

امنیت عمومی لازمه برقراری صلح

زهرآ جوهرجی

داشت، هردم خبرهای ناگواری از گوشه‌ای در دنیا، قلب‌ها را جریحه‌دار می‌کند. کودکان پناه‌جویی که در آتش‌سوزی کمپ موریآ آورآرت می‌شوند، کودکانی که در کولبری، مشاغل سخت و پرخطر، کارگری جنسی، بی‌پناهی و فقر مطلق، جانشان در خطر است. آیآ زندگی آنها، قلب اعضای سازمان حقوق بشر، یونسکو ۱۹۶۴برنده صلح نوبل شد و برآرامج با گلوله دشمنان صلح، فدای آرمانش شد. مخالفت با جنگ، دشمنی، ویرانی و آوارگی است که صلح را معنا می‌بخشد. صلح با تاکید بر نبود خشونت، صلح منفی را تشکیل می‌دهد؛ درحالی‌که احترام به حقوق بشر، عدالت و پرهیز از خشونت در روابط بین‌الملل، صلح مثبت را شامل می‌شود. خشونت اعم از خشونت ساختاری یا خشونت مستقیم‌که می‌تواند علاوه بر جنگ و نزاع، شامل بی‌عدالتی، فقر، توسعه‌نیافتگی، آسیب به محیط زیست، عدم بردباری و... بشود. سازمان جهانی بهداشت با احتساب خشونت به‌عنوان یکی از مسائل مرتبط با سلامت عمومی، آن را چنین تعریف می‌کند: «استفاده عمدانه از زور جسمانی یا عمومی در جامعه برقرار شود. امنیت که در سایه آن حداقل نیازهای انسان‌ها برآورده شود، همه از آموزش، بهداشت و خدمات عمومی برخوردار باشند. شاید چنین رویایی برای بسیاری از کشورها تحقق نیابد ولی وظیفه و اساس مسئولیت است که افرادی را برانگیزند تا در سراسر دنیا انجمن‌هایی را برپا دارند تا از محرومیت کودکان بکاهند؛ با آموزش‌های مختلف، آنها را مستقل و توانمند سازند که بتوانند برای آینده‌شان تصمیم بگیرند. سمن‌ها می‌کشند در سایه صحیح پرورش، از تعداد مجرمین و بزهکاران احتمالی آینده کم‌ترند. لازمه صلح، پرهیز از خشونت، دوستی و همدلی و گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز برای رسیدن به آرامش است.

۳۱ شهریور، روز جهانی صلح، گرامی!

❖ **ضرورت وابسته‌های صلح از دیدگاه حقوق بین‌الملل، یوریا عسگری- پلدا خسروی، فصل‌نامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، شماره ۲۲، سال ۱۳۹۵**

ایران در رسانه‌ها

حاشیه‌نشینی زنان ایرانی

● المانی‌تور گزارشی از تأثیر کرونا بر وضعیت اقتصادی زنان و به‌حاشیه‌کشیدن آنها به دلایل اقتصادی منتشر کرده است. این گزارش که با عکسی از گتی ایمیج همراه است، تعدادی از زنان بسیجی را در حال تهیه ابزار و لوازم بهداشتی نشان می‌دهد. این عکس در فروردین اسمال در مسجدی در پایتخت گرفته شده است. نویسنده مقاله درباره تأثیر منفی کرونا بر بسیاری از اقشار جامعه از جمله زنان ایرانی نوشته، تأثیری که برخی می‌ترسند دائمی باشد. طبق اعلام سازمان بین‌المللی کار، از هر پنج زن ایرانی فقط یک نفر به کار مشغول است. طبق نوشته این رسانه، برای زنان ایرانی حضور در اقتصاد در حالی که با تأثیر تحریم‌ها و همه‌گیری جهانی روبه‌رو هستند آسان نیست و زنان ایرانی هرگز این‌قدر آسیب‌پذیر نبوده‌اند. زنان یک‌پنجم جمعیت شاغل در ایران را تشکیل می‌دهند. سهم آنها از مشاغل تقریباً زیر ۲۰ درصد است. بسیاری از زنان ایرانی برای تأمین هزینه‌های زندگی خانواده خود شغل‌های سنگینی را انتخاب می‌کنند، این بدان معناست که آنها بدون قراردادی یا به صورت نیمه‌وقت کار می‌کنند. بنابراین، آنها هیچ مزایا یا بیمه‌ای دریافت نمی‌کنند. مقامات ایرانی این شاغل را «مشاغل غیررسمی» می‌خوانند، مقوله‌ای که خارج از قلمرو قانون کار ایران وجود دارد. این شرایط بسیاری از زنان را از جست‌وجوی کار منصرف می‌کند. بنابراین، میزان مشارکت آنها در نیروی کار پایین است. حتی وقتی وارد بازار می‌شوند، شغلی تضمین نمی‌شود. نرخ بی‌کاری زنان دو برابر مردان است. آخرین گزارش سه‌ماهه مرکز آماری ایران (SCI) در پاییز ۲۰۱۹ منتشر شده که نرخ بی‌کاری در زنان از ۱۷ درصد نشان می‌دهد درحالی‌که نرخ بی‌کاری مردان ایرانی در سراسر کشور ۷٫۹ درصد بوده است. در استان تهران، «جهان‌وطنی‌ترین منطقه کشور»، زنان جوانی که در جست‌وجوی کار هستند با نرخ بی‌کاری حیرت‌انگیز ۲۵درصدی روبه‌رو بودند. نرخ بی‌کاری مردان در همین گروه سنی در استان تهران از ۱۷ درصد بوده است. موقعیت زنان ایرانی در بازار کار بیش از شروع بیماری همگی‌ر ویروس کرونا آسیب‌پذیر بوده؛ اکنون، میزان تأثیر منفی این همه‌گیری جهانی بر شغل زنان ایرانی و همچنین عدم واکنش دولت نگران‌کننده شده است.

زنان ایرانی با وجود سهم اندک اشتغال خود، بیشترین آسیب را از تأثیر اقتصادی کرونا می‌بینند. گزارش سه‌ماهه SCI در مورد اشتغال از بهار سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد که نسبت به بهار سال قبل، زنان ایرانی ۶۸۴هزارو ۷۷۲ شغل را از دست دادند؛ هرچند SCI مجموع از دست‌دادن شغل از بهار ۲۰۱۹ تا بهار ۲۰۲۰ را تقریباً ۱٫۵ میلیون نفر گزارش کرده است. درحالی‌که اعلام شد زنان ایرانی تنها ۲۰ درصد شاغلان را تشکیل می‌دهند، سهم آنها در از دست‌دادن شغل ۴۵ درصد است، تقریباً ۲٫۵ برابر بیشتر از سهم اشتغال آنها. تعیین اینکه چه تعداد شغل به دلیل کووید ۱۹ و چه تعداد قبلاً به دلیل تحریم‌های اعمال‌شده توسط ایالات متحده از بین رفته‌اند، آسان نیست. اقتصاد ایران از ماه‌ها قبل از ورود ویروس کرونا در حال کوچک‌شدن بود. با این حال، این واقعیت نگران‌کننده همچنان وجود دارد که زنان ایرانی بیش از مردان و خانواده‌هایشان با سرعت فزاینده و به طور نامتناسبی رنج می‌برند. پیش از این، SCI گزارش داده بود که زنان ایرانی ۱۴۵ هزار شغل خود را در زمستان ۲۰۲۰ نسبت به زمستان ۲۰۱۹ از دست داده‌اند. از آن زمان تعداد از دست‌دادن شغل چهار برابر شده است. محاسبه تأثیر واقعی وقایع کنونی بر اشتغال زنان در ایران آسان نیست، به گفته مقامات ایران در دهه گذشته، با وجود مواجهه با تبعیض و موانع در بازار کار، تعداد زنان سرپرست خانوار ۵۸ درصد افزایش یافته است. درحالی‌که بارها مسئولان ایرانی به زنان یادآوری می‌کنند که جایگاه و موقعیت مناسب برای آنها در زندگی ایفای نقش یک مادر یا همسر فداکار است. با این حال، واقعیت‌های اقتصادی ایران شرایط خاص خود را تعیین می‌کند. زنان ایرانی از خانواده خود حمایت کرده و بار مالی بیشتری را متحمل شده‌اند. وقتی یک زن سرپرست خانواده شغل خود را از دست بدهد، خانواده او ناگزیر از تحمل فقر و گرسنگی هستند. دولت رئیس‌جمهور حسن روحانی یک میلیارد یورو از صندوق توسعه ملی ایران برای مقابله با تأثیر منفی اقتصادی کووید ۱۹ در بهار سال ۲۰۲۰ برداشت. با این حال، هیچ برنامه رسمی برای کمک به زنان ایرانی که شغل خود را به دلیل این همه‌گیری از دست داده‌اند، ارائه نشد. معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده ایران، اعلام کرد که دولت ایران کارگاه‌های آموزشی برای ۱۲ هزار زن ایرانی ایجاد کرده است تا آنها را برای بازارهای کار آماده کند. اگرچه دست‌اندرکاران اقتصادی هشدار داده‌اند در بعضی از بخش‌ها، همه زنان شغل خود را از دست داده‌اند، اما هیچ بسته کمک مالی برای زنان تصویب نشده است. به نظر می‌رسد مقامات ایرانی هیچ برنامه رسمی‌ای برای کمک به زنان آسیب‌دیده از بحران اقتصادی شغل خود را نداشته‌ای. این موضوع نشان می‌دهد که دولت ایران از شانه‌ای از دانه‌ی بودن از دست‌دادن شغل خود می‌داند. گزارشگر نتیجه گرفته است هنگامی که بهبود اقتصادی آغاز می‌شود، دولت احتمالاً بازگشت مردان ایرانی به کار را در اولویت قرار خواهد داد؛ چشم‌اندازی که برای بسیاری از زنان سخت‌کوش ایرانی به معنای زندگی در فقر دائمی است.